

# نقاش رابطه‌های ذهنی شکل ورنگ

نمایشگاه نقاشی های  
علی اکبر صفائیان در گالری  
مهرشاه

پهروز صوراسرافیل

گالری «مهرشاه» پس از چند ماه بالاخره نمایشی از آثار یک نقاش نوگرای ایرانی برپا کرد و نشانه‌ای بدست داد که از اینکه تنها ویتروینی برای برپا کردن نمایش‌هایی که بوی «دستور رئیس‌ان» از آن می‌آید نیست و امید می‌رود که گاهی آثار خوب هنرمندان با ارزش دیوار های آن را ببوشاند .

نمایشگاه نقاشی های علی اکبر صفائیان بی‌تردید یکی از ارزنده‌ترین و قابل‌توجه‌ترین نمایش های هنرهای تجسمی از هنرمندان ایرانی در فصل هنری کنونی است . نخست از نظر تعداد تابلوها و کمیت مجموعه‌ی عرضه شده (که خود به خود نمودار پشتکار و کوشش مداوم نقاش است) و دوم از نظر کیفیت اجرای تابلوها و اندیشه‌ای که از پس هرخط و رنگ و شکل جلوه میکند . این دو عامل از صفائیان یک نام در یادماندنی درجوهنرهای تجسمی معاصر ایران می‌سازد که می‌توان امید داشت درهرنمایش

مارا با آثار بهتری از خود روبرو کند . اگر اصزار داشته باشیم شیوه‌ی کار هنرمند را در قالب مکتب شناخته شده‌ای بگنجانیم بی‌گمان مناسبترین قالب «سورسالیسم» خواهد بود . گرچه گاه دگه‌هایی از اکسپرسیونیسم نیز در پاره‌ای تابلوها خود می‌نمایاند . البته فوراً باید اشاره کرد که چنین تقسیم بندی یا تعیین قالب ، جزاسلتر ساختن بررسی آثار یک هنرمند ، با هیچ ارزشی نمی‌تواند داشت .

به‌رحال، صفائیان نقاش رابطه‌هاست . رابطه‌ی میان عوامل همیشه تابلوهایش : آسمان زمین ، انسان و گیاه . این ارتباط اما در بیشتر تابلوها ارتباطی ذهنی گاه - حتی - مبهم است زیرا صفائیان به ذهن های آسان پسند و منفن به اصطلاح «تخفیف» نمی‌دهد و چیزهای اوقات که به سوی تصویر «شعاری» ملموس و مردم پسند متمایل می‌شود ، به درجه‌ای از بیان گویای پلاستیک می‌رسد . وجود چند نمونه از آثار قدیمی‌تر نقاش این امکان را به تماشاگر می‌دهد که سیرتکامل هنر صفائیان را ردگیرد و دریابد که او در راه پالایش هنر خویش ، پیراستن شکل‌ها و ترکیب بندی‌هایش از زوائد و کاستی ها ، و بالاخره در راه درک توانایی های خویش بدخاطر رسیدن به شیوه‌ای شخصی بسیار پیشرفته است .

برخلاف آنچه که به روایت کاتالوگ نمایشگاه در پاره‌ی صفائیان گفته‌اند ، او هنرمندی به شدت وابسته به «زمین» و «سرزمین» است و محور اصلی اندیشه‌اش را انسانها و محیط زیست پیرامونش - البته به پیرامون نزدیک ، بل افق های دورتر سرزمین مادریش - تشکیل می‌دهند . به‌چهره‌ها بتگرید که بومی است و آشنا ، به رنگ خاک سرزمین ما که رنگمایه غالب بسیاری از نقاشی‌هاست ، به شکل لباسها و .....

از نظر ویژگی های پلاستیک ، در اکثر تابلو وی صفائیان با ترکیب بندی (کمپوزیسیون) بسته‌ای روبرویم . فرمها بیشتر در میانه‌ی تابلو درهم می‌آمیزند ، هویت جداگانه خود را از دست می‌دهند و در هیات شکلی مستقل که‌گویی با الگویی آفرینشی جدا از آنچه در طبیعت هست به وجود آمده ، نمودار میشود .



تنظیم نمایشگاه را یک کمیته سه نفری به اتفاق سرپرست نگارخانه «مهرشاه» به‌عهده داشته است گرچه هویت اعضای این کمیته آشکار نیست اما باید امید داشت که هنوزه سطح قابل قبول و معقولی را در گزینش هنرمندان برای برپا کردن نمایش آثارشان در نظر گیرند ، چنانکه در این نمایش گرفته‌اند .

نقاش مجموعه رنگهای تیره - قهوه‌ای ، سبز ، خاکستری - را با تسلطی آشکار به‌کار می‌گیرد، اما سرخهای تندوآبی آسمانی‌اش انگار با تیرگی رنگهای «پالنتش» در تضادند . تضادی که بیشتر مطبوع و چشمگیر و تنها نگاهی ناهمگون و خام است .

\*\*\*  
درکاتالوگ نمایشگاه نوشته‌اند که